فصلنامه علمی
پژوهش‌های اعتقادی ـ کلامی
سال شانزدهم/ شماره۶۴/ زمستان ۱۴۰۵

The Quarterly Journal of
Theological - Doctrinal Research
16 th Year/ No: 64/ Winter 2027

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۱۵۶ - ۱۳۱

برآیند توحید اجتماعی در صورت‌بندی نظری و فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی با تاکید بر دیدگاه آیت الله شهید خامنه‌ای(قدس الله نفسه الزکیه)

محمد عرب‌صالحی [۱]
فریده پیشوایی [۲]

چکیده

هدف مقاله کشف برآیندهای خوانش توحید به عنوان دکترین اجتماعی در صورت‌بندی و فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی با تاکید بر بیانات آیت الله شهیدخامنه‌ای(ره) است. بنا بر دیدگاه مفسران نواندیش و نظرگاه امام شهید، توحید قواره جامعه را تعیین کرده و نظریه اداره جامعه است. حاصل این خوانش، یعنی توحید اجتماعی، با تاثیرگذاری در عرصه‌های مادی و معنوی، حوزه بینشی-معرفتی، و عاملیت انسانی، صورت‌بندی جدیدی از مباحث نظری تمدن نوین اسلامی به‌دست می‌دهد و فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی را بازآرایی می‌کند. مطابق یافته‌های تحقیق که با روش اسنادی و رویکرد تحلیلی اکتشافی صورت گرفته، برآیند توحید اجتماعی در عرصه مادی و معنوی، رشد همزمانی بر مبنای اصل خدامحوریِ انبساطی است. در حوزه بینشی، توحید اجتماعی و لوازم آن، نظام معنایی جمعی و اجتماعی و فراجغرافیایی را حول محور «الله» بازتعریف خواهد کرد. این برآیند در حوزه معرفتی، بازتعریف مفاهیم، مسائل و منابع معرفتی خواهد بود. برآیند توحید اجتماعی در حوزه انسانی، تربیت انسانِ توحیدمحور و عزتمند است که غریزی صرف رفتار نمی‌کند و در مسیر تمدن‌سازی عاملیت و کنشگری توحیدی دارد و افق نگاهش، تمدنی است. در فرآیند تمدن‌سازی نیز توحید اجتماعی هم در مقیاس فردی یعنی خودسازی و هم در مقیاس اجتماعی اثرگذار است و در مسیر جامعه‌پردازی، جامعه اسلامی را به جامعه تمدنی توحیدمدار ارتقا می‌دهد و زمینه‌ساز ظهور تمدن نوین اسلامی به‌عنوان الگویی جهانی می‌شود که عدالت، معنویت و پیشرفت همه‌جانبه را برای بشریت به ارمغان می‌آورد.

واژگان کلیدی

توحید اجتماعی، تمدن نوین اسلامی، صورت‌بندی نظری، حوزه بینشی، حوزه معرفتی، فرآیند.

---

۱. استاد گروه منطق فهم دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران.
Email: Arabsalehi@iict.ac.ir
۲. سطح چهار تفسیر تطبیقی موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: f.pishvaee@dte.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۱/۲۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۵/۴/۱۴

طرح مسأله

رسیدن به تمدن نوین اسلامی هدف بلندمدتی است که در دیدگاه آیت الله شهیدسیدعلی خامنه‌ای(ره) برای جامعه اسلامی تعیین شده (ر.ک: بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی ۲۸/۱۱/۱۴۰۰) و غایت آن، ایجاد تمدنی پیشرفته و جامع از حیث مادی و معنوی است که نه تنها نیازهای مسلمانان را برآورده کند، بلکه الگویی برای سایر جوامع باشد. از دیدگاه ایشان تمدن اسلامی «یعنی آن فضایی که انسان در آن از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند؛ به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده، برسد و زندگی خوبی و عزتمندی داشته باشد» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۴/۰۶/۱۳۹۲)

ویژگی این تمدن اتکا به معنویت، به خدا، به وحی الهی، به تعلیم و هدایت الهی بوده (بیانات در دیدار قاریان، ۱۳۹۱/۴/۳۱) و تمدن نیز امر اجتماعی است؛ لذا این تمدن، ارتباطی عمیق و وثیقی با توحید اجتماعی پیدا می‌کند؛ ایده‌ای که بنیانگذار آن در عصر حاضر آیت الله شهید خامنه ای(ره) است. تمدن نوین اسلامی به عنوان ساختار کلان اجتماعی، اقتصادی و فناوری جوامع، نیازمند یک محور مشترک بینشی برای همگرایی و تقویت انسجام اجتماعی است؛ این محور می‌تواند در قالب توحید اجتماعی بر پایه ارزش‌های الهی تعریف شود؛ چنانکه امام شهیدمان فرموده‌اند: بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمی‌توان یک تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده همه اینها خواهد شد. آن که مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار می‌دهد، آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت می‌کند، همه این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگِ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد. (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۲۳/۰۷/۱۳۹۱)

در این چارچوب، این مساله مطرح می‌شود که خوانش اجتماعی از توحید در

عرصه‌های مادی و معنوی، حوزه بینشی، معرفتی و عاملیت انسانی و نیز در فرایند تحقق این تمدن یعنی خودسازی و جامعه‌پردازی چه تاثیری دارد و برونداد آن چه خواهد بود. با درنظر گرفتن نوپایی رویکرد اجتماعی به توحید و نیز اولویت‌داشتن مطالعات تمدن‌پژوهی، نوشتار حاضر درصدد پاسخ به این سوال براساس دیدگاه آیت الله شهیدخامنه‌ای(ره) است.

فرضیه تحقیق این است که توحید اجتماعی، در خوانش آیت‌الله شهید خامنه‌ای(ره)، مبنای نظری و جهت‌دهنده فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی است؛ به‌گونه‌ای که با بازتعریف نظام معنایی، معرفتی و عاملیت انسانی، هم‌زمان زمینه‌ساز خودسازی فردی و جامعه‌پردازی تمدنی شده و تحقق تمدنی مبتنی بر عدالت، معنویت و پیشرفت را ممکن می‌سازد.

این تحقیق به شیوه اسنادی انجام شده است. گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و روش تحلیل داده‌ها تحلیل عقلی با رویکرد تحلیلی-استنباطی است و به‌صورت محسوس، بر استنباط و اجتهادِ مستند بر ادله و جهت‌گیری تحلیلی براساس استدلال و استنتاج عقلی تکیه دارد.

انجام این تحقیق، صورت‌بندی جدیدی از تمدن نوین اسلامی ارائه کرده و مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی را از حیث نظری فراهم‌تر می‌سازد.

پیشینه

درباره پیشینه خاص مقاله کتاب مستقلی یافت نشد. در سطح رساله‌های دکتری، رساله‌ای با عنوان «توحید اجتماعی و نقش آن در تمدن‌سازی اسلامی»(پورعباس ،۱۳۹۸) وجود دارد. تمایز مقاله حاضر با این رساله در استخراج مولفه‌های توحید اجتماعی است که رویکرد آن را متفاوت می‌سازد و طبیعتا در نتایج بحث نیز اثرگذار است.

«تأملی در کارکرد توحید عبادی و نسبت آن با ایجاد رفاه اقتصادی در گستره تمدن نوین اسلامی» (پورعباس، ۱۳۹۹) و «تأملی در کارکرد توحید عبادی نسبت به مظاهر عینی و مادی تمدن نوین اسلامی» (ابراهیم نژاد و دیگران، ۱۳۹۷) دو مقاله نزدیک به این موضوع هستند، با این تفاوت‌که متغیر اصلی تحقیق یعنی «توحید عبادی» در این مقالات، با

«توحید اجتماعیِ» مد نظر نویسندگان مقاله حاضر تفاوت دارد، ضمن اینکه در این دو مقاله تنها به رابطه توحید اجتماعی با مبحث اقتصاد و مظاهر عینی و مادی تمدن پرداخته شده است.

«کارکرد توحید اجتماعی در بازسازی تمدن اسلامی و الزامات آن با تأکید بر قرآن و اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای» (عرب صالحی و پیشوایی، قبسات، ش۱۱۱) مقاله دیگری در این زمینه است که گرچه از حیث موضوعی با مقاله حاضر همسوست، ولی به جهت گستردگی موضوع تمدن، در آن مقاله به این سؤال پاسخ داده شده که نقطه عزیمت تمدن نوین اسلامی چیست و برمبنای آن، چه مقدمات نظری باید فراهم گردد و الزامات آن کدام است که متفاوت با سوالات مقاله حاضر است. در مقاله یادشده تاثیر توحید اجتماعی در بخش ابزاری و حقیقی تمدن نوین اسلامی یعنی سبک زندگی بررسی شده و تکیه تحقیق بر تبیین الزامات تحقق این تمدن در پرتو توحید اجتماعی است؛ اما نوشتار پیش رو به دنبال صورت‌بندی تمدن نوین اسلامی با بررسی برونداد توحید اجتماعی در ساحت بینشی، معرفتی، انسان سازی و فرایند تحقق این تمدن در دو گام خودسازی و جامعه‌پردازی است که در مقاله پیشین بدان ورودی نشده است.

۱. مفهوم‌شناسی

سه مفهوم کلیدی «توحید اجتماعی» و «تمدن نوین اسلامی» و «صورت‌بندی» در این تحقیق نیاز به تعریف عملیاتی دارند:

۱-۱. توحید اجتماعی

مفهوم توحید اجتماعی، مولفه‌ها و ریزمولفه‌های آن براساس آیات قرآن، در دیگر آثار نگارندگان، و با الهام از ایده توحیدی مسلمانان روشنفکر به ویژه اندیشمند معاصر آیت الله شهیدخامنه‌ای به تفصیل بیان و ثابت شده است (ر.ک: عرب صالحی و پیشوایی، ۱۴۰۳الف) و در اینجا به‌اختصار توضیحی در مورد ماهیت و پیشینه آن در قرآن و اندیشه مفسران ارائه می‌شود:

برخلاف رویکرد مشهور و بر اساس شعار «لااله الا الله» که دارای دو سویه اثباتی و

سلبی است، توحید صرفا یک مقوله نظری و اعتقادی نیست، بلکه شانی اجتماعی داشته و هرزمان که پیامبری مردمش را به سوی توحید فرامی‌خوانده، مخاطبان که با مفاهیم «اله» و «رب» و «عبد» آشنا بودند، می‌دانستند از چه خصیصه ای به عبودیت تعبیر می‌شود. به گفته سیدقطب عرب‌ها معنی «اله» و «لااله الا الله» را در زبان خود به‌خوبی درک می‌کردند و می‌دانستند الوهیت به معنی حاکمیت برتر است و توحیدِ الوهیت و اختصاص‌دادن آن به خداوند، به معنای بازپس گرفتن سلطنت بر ضمایر و شعائر و واقعیات زندگی و دل و جان مردم از کاهنان و سران قبایل و فرمانروایان و حکام، و تفویض کامل آن به خداست. (سیدقطب، ۱۳۹۲، ص۱۵-۱۶).

این بازتفسیر از توحید، ریشه در آیات قرآن دارد. مولفه اول توحید اجتماعی، پذیرش ربوبیت الهی است که با تحلیل آن، ابعاد اجتماعی‌اش آشکار می‌گردد. آیات زیادی بر این امر یعنی وحدانیت خداوند در ربوبیت عالم هستی دلالت دارند: (حمد: ۱، صافات: ۱۸۲، زمر: ۷۵، یونس: ۱۰، زمر: ۷۵، رعد: ۱۶ و صافات: ۱۲۶). پیام اصلی تمام آیات یگانگی خداوند در کارگزاری و تدبیر امور و وابستگی تمام موجودات به خداوند است. مولفه دوم توحید اجتماعی، نفی عبودیت ماسوی الله است که همانند اصل ربوبیت، آیاتی برآن دلالت‌گری می‌کنند، ازجمله: (یس:۶۰، هود:۲، انبیا: ۶۷). طبق این آیات، خداوند در اطاعت و بندگی، یگانه است و هرگونه اطاعت از غیر خدا تنها با اجازه او رواست. در آیاتی از قرآن نیز شواهدی وجود دارد که توحید اجتماعی رسالت تمام انبیاء است بلااستثنا؛ مانند آیه «**وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ**» (انبیاء:۲۵)؛ زیرا جمله "نُوحِي إِلَيهِ" استمرار را می‌رساند، و جمله" فاعْبُدُونِ" خطاب به عموم پیامبران، و امت‌های ایشان است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۱۴، ص۲۷۵) این اصل اعتقادی همانند سایر اصولی که پیامبران به بشر تعلیم داده‌اند، انسان را از حیث رفتار و عملکرد اجتماعی، و جامعه را از لحاظ ساختار و مناسبات داخلی و خارجی متحول می‌سازد.

توحید اجتماعی یعنی حاکمیت خداوند در زیست اجتماعی انسان به شکل مطلق، که روی دیگر آن نفی حضور غیر خدا از قلمرو زندگی اجتماعی و روابط اجتماعی انسان است؛ این معنا متفاوت از توحید جمعی یعنی قیام جمعی به توحید است، گرچه در امور

فردی باشد؛ مانند طواف جمعی دور خانه خدا، خواندن ادعیه به صورت دسته‌جمعی و....؛ چه‌بسا انسان تنها موحد در یک جامعه باشد، اما توحیدش اجتماعی باشد؛ زیرا همه الهه غیر خدا را منکر است و در تمام روابط فردی و اجتماعی حاکمیت خدا را رعایت می کند و چه‌بسا توحید جمعی که در قبال حاکمیت طواغیت و آلهه سکوت اختیار کرده و بی تفاوت از کنار آن عبور می کند، مانند توحید برخی از متصوفه. در قاموس اسلام هم توحید جمعی و هم توحید نظری فردی در کنار توحید اجتماعی معنا پیدا می کند و بدون آن یک توحید ناقص هست.

۲-۱. تمدن نوین اسلامی

ازآنجا که نظریه‌پرداز تمدن نوین اسلامی آیت الله شهید سیدعلی خامنه‌ای هستند، در تعریف این اصطلاح به دیدگاه ایشان بسنده می کنیم. طبق فرموده ایشان، فرهنگ (و سبک زندگی) بخش نرم افزاری و حقیقی، و مقولاتی مانند علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی بخش ابزاری تمدن نوین اسلامی است: «تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید. بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هائی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ ...، اما بخش حقیقی، آن چیزهائی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است». (بیانات در سفر به استان خراسان شمالی،۲۱/۷/۹۷) از نظر ایشان اگر کشور توانست در میدان‌های تحرک و پیشرفت مادی به موفقیت‌هایی دست یابد و علم و فناوری و صنعت و سیاست بین المللی و دیپلماسی قوی پیدا کند و اقتصاد جامعه را سروسامان دهد؛ و از منابع عظیم ثروت در زیر زمین و روی زمین، اعم از معدن و کشاورزی، و از سرزمین وسیع و متنوع ایران و موقعیت مهم سوق الجیشی آن استفاده کند؛ و با معیارهای پیشرفت جهانی و مدنی خودش را همراه کند، اولین کشور و دولتی خواهد بود که توانسته پیشرفت مادی را در زیر روشنیِ چراغ برافروخته فضیلت و معنویت به دست آورد؛ این می‌شود یک تمدن جدید

که در تاریخ کم‌سابقه است.(بیانات در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی ۱۳۸۳/۳/۲۲)

بنابراین پیشرفت‌های مادی و صنعتی و ... و نظام‌سازی، شرط لازم دستیابی به تمدن نوین اسلامی است؛ چنانکه آیت الله شهیدخامنه‌ای(ره) خطاب به سران بیداری اسلامی گفته‌اند: «مسئله اصلی شما، چگونگی نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت کشور و انقلاب‌ها خواهد بود؛ این همان مسئله مهم تمدن‌سازیِ اسلامی مجدد در عصر جدید است» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴) اما این به معنای غفلت از بخش حقیقی و اصلی تمدن نوین اسلامی که همان معنویت باشد، نیست. ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «ما در تمدن اسلامی و در نظام مقدس جمهوری اسلامی که به سمت آن تمدن حرکت می‌کند، این را هدف گرفته‌ایم که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم. اینکه می‌بینید دنیای غرب نسبت به پایبندی ما به معنویت، حساس است؛ بر دینداری ما اسم تعصب و تحجر می‌گذارد و علاقه‌مندی ما به مبانی اخلاقی و انسانیت را مخالفت با حقوق بشر قلمداد می‌کند، به خاطر آن است که این روش، ضد روش آنهاست. آنها علم را پیش بردند؛ البته کار مهم و بزرگی بود، اما جدای از اخلاق و معنویت بود و شد آنچه که شد. ما می‌خواهیم علم با اخلاق پیش برود. دانشگاه همچنان که مرکز علم است، مرکز دین و معنویت هم باشد». (بیانات در دیدار جمعی از پرستاران ۱۳۷۶/۶/۱۹)

۱-۳. صورت‌بندی

مراد ما از صورت‌بندی در این مقاله چارچوبی است که ارکان و مولفه‌های مقوم، وضع و رخساره تمدن نوین اسلامی را در پرتو خوانش اجتماعی از توحید تعیین و ترسیم می‌کند.

۲. برآیند توحید اجتماعی در صورت‌بندی تمدن نوین اسلامی

برآیند توحید اجتماعی در صورت‌بندی تمدن اسلامی در محورهای زیر قابل پیگیری است:

۲-۱. برآیند توحید اجتماعی در عرصه‌های مادی و معنوی

از نظر امام شهید در تمدّن نوین اسلامی، معنویّت در کنار مادّیّت، عروج اخلاقی و معنوی و روحی و تضرّع و خشوع، در کنار پیشرفت زندگی مادّی [است] (بیانات در دیدار با کارگزاران حج؛ ۱۳۹۸/۴/۱۲) و «معنویت و اخلاق هم باید به قدرِ حرکت پیش‌رونده مادی پیشرفت کند. دل‌های مردم با خدا و معنویات آشنا بشود. انس با خدا، انس با عالم معنا، ذکر الهی و توجه به آخرت در یک چنین جامعه‌ای بایستی رایج شود. اینجاست که آن خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی، خود را نشان می‌دهد؛ ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت باهم» (بیانات در دیدار مردم شاهرود؛ ۱۳۸۵/۸/۲۰) این امر تنها در سایه توحید اجتماعی حاصل می‌شود.

توحید اجتماعی، مرزهای میان «عرصه‌های مادی» و «معنوی»«تمدن نوین اسلامی» را نه تنها کمرنگ، بلکه به هم پیوسته و در خدمت یکدیگر تعریف می‌کند و هر دو را اجزایی از یک کلِ واحد و هدفمند می‌بیند که در نهایت به سوی «الله» هدایت می‌شوند. در نگاه توحید اجتماعی، تمام مظاهر مادی تمدن اعم از علم، صنعت، اقتصاد، هنر، معماری، شهرسازی ابزارهایی هستند برای شکوفایی معنویت و رسیدن به کمال الهی و باید در راستای شناخت بهتر خداوند و بندگی در برابر او و خدمت به خلق و آبادانی زمین به معنای الهی آن به کار گرفته شوند. اقتصاد نباید صرفاً به دنبال انباشت ثروت مادی باشد، بلکه باید بر پایهٔ عدالت، قسط و تأمین نیازهای اساسی جامعه برای زیست طیبه بنا شود. هنر و زیبایی‌شناسی باید در خدمت ارتقای روح انسان و یادآوری زیبایی‌های الهی باشند، نه صرفاً لذت‌های زودگذر و غفلت زا، و اخلاق خدامحور در تمام معاملات اقتصادی، روابط اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی جاری باشد. در حوزه معماری، فضاهای شهری و روستایی، باید بازتاب‌دهندهٔ هویت توحیدی باشند و همراه با ایجاد آرامش و زیبایی

بصری، همبستگی و یاد خدا را تداعی کنند. در تمدن نوین اسلامی با محوریت توحید، حکمرانی عادلانه و مبتنی بر حق در جریان است؛ نظامی سیاسی و اداری که در آن، قانون الهی، عدالت، خدمت به مردم و پاسخ‌گویی در اولویت قرار دارند و نه قدرت، منفعت شخصی یا قوم‌گرایی.

شاخصه اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخگوئی به نیازهای نوبه‌نوی بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم، و در تلاش و کار و ابتکار، می‌توان و باید مشاهده کرد. (بیانات در بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی؛ ۱۳۹۲/۲/۹)

۲-۲. برآیند توحید اجتماعی در ساخت نظام اندیشگی

برای ایجاد یک تمدن اسلامی مانند هر تمدن دیگر دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، دیگری پرورش انسان (بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۳۷۹/۷/۱۴) بنابراین ساحت تاثیرگذاری توحید اجتماعی در این ساحت، در تولید اندیشه خواهد بود که در پیوند تنگاتنگ با امر فرهنگ است. از دیدگاه آیت الله شهیدخامنه‌ای(ره) ملتی که داعیه تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمی‌تواند حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است. کسانی هم که امروز در دنیا تمدن مادی را به وجود آورده اند، با ایدئولوژی وارد شدند؛ و صریح گفتند ما کمونیستیم، ما کاپیتالیستیم و به اقتصاد سرمایه داری اعتقاد داریم و به آن اعتقاد ورزیدند. بدون مکتب و ایدئولوژی نمی‌توان یک تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. (۲۳/۰۷/۱۳۹۱ بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی)

بی‌تردید تمدن بزرگ عمیق و ریشه‌دار اسلامی نمی‌تواند بر پایه توحید نظری صرف

استوار شود، ازاین‌رو توحید اجتماعی بن‌مایه فکری و نقطه ثقل حوزه بینشی تمدن نوین اسلامی است و به‌عنوان محور بنیادین و قلب تپنده دستگاه فکری این تمدن نقش‌آفرینی می‌کند. این مفهوم، که بر ایمان اجتماعی و نفی هرگونه شرک در ساحت‌های اجتماعی به معنای جامع آن تأکید دارد، نه‌تنها یک چارچوب فکری، بلکه ایدئولوژی سازنده‌ای است که بنیان‌های تمدن را دگرگون می‌سازد. تمدن نوین اسلامی که به‌عنوان بزرگ‌ترین اجتماع سیاسی-اجتماعی با دستاوردهای برجسته در عرصه‌های مادی و معنوی شناخته می‌شود، مطابق با قرآن نیازمند پذیرش و حاکمیت نظریه توحید اجتماعی در سپهر اندیشه، و نفی غیر او در حاکمیت است. در آیه **وَ لا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ** منظور از اله دیگر، نفی بتهایی است که به دستشان ساخته‌اند یا کسانی که به زعم خودشان در جایگاه الوهیت قرار دارند یا افرادی که مردم درباره آنان چنین می اعتقادی داشتند. **لا إِلهَ إِلَّا هُو**، یعنی او تنها معبودی است که انسان باید نسبت به او حس عبودیت داشته باشد. (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج۱۷، ص۳۵۶-۳۵۷)

توحید اجتماعی با نقش‌آفرینی در حوزه نرم‌افزاری تمدن، یعنی عرصه ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی و نظام اندیشه‌ای، به‌عنوان شالوده تمدن نوین اسلامی عمل می‌کند. این نظریه، با بازتعریف انبساطی از توحید یعنی خارج کردن توحید از یک امر محدود در عبادات و مناسک، و رهایی انسان‌ها از بت‌های ذهنی و شرک‌های پنهان، وابستگی به قدرت‌های انسانی، تعلق به ارزش‌های مادی‌گرایانه و اسارت در نظام‌های اجتماعی مبتنی بر ظلم و سلطه، زیربنای فکری تمدن را متحول می سازد. از این منظر، توحید اجتماعی نه‌تنها یک جهان‌بینی یکتاپرستانه و الهی ارائه می‌دهد، بلکه آن را به عرصه‌های تمدنی همچون فرهنگ، هنر، سیاست، اقتصاد و نظام اجتماعی گسترش می دهد و آنها را بر پایه یکتاپرستی سامان‌دهی می‌کند

۳-۲. برآیند توحید اجتماعی در حوزه معرفتی تمدن نوین اسلامی

واژه معرفت و معادل های آن در زبان فارسی و عربی به معنای آگاهی، شناخت و ادراک است و در اصطلاح علوم اسلامی، معانی و کاربردهای متعددی دارد. اندیشمندان

مسلمان در معرفت‌شناسی از میان معانی و کاربردهای گوناگون معرفت، معنای لغوی آن را که مطلق آگاهی و شناخت است، به کار برده اند؛ اعم از اینکه معرفت باواسطه باشد یا بدون واسطه. مفهوم باشد یا گزاره. (حسین‌زاده، ۱۳۸۸، ص۲۴) در اصطلاح رایج معرفت شناسان، به باور صادق موجه، معرفت می‌گویند. (فعالی، ۱۳۷۹، ص۸۲ و۱۵۷) در این مباحث هرجا معرفت و واژه‌های مشابه آن را به کار می‌رود، مقصود، مطلق آگاهی است (قائمی نیا، ۱۳۹۶، ص۲۵) که هم شامل علم حصولی است، هم علم حضوری. مد نظر این مقاله از معرفت، علم حصولی و معرفت اکتسابی مرتبط با موضوع تمدن است.

توحید اجتماعی هم در قلمرو معرفتی که شامل موضوع مفاهیم و مسائل تمدنی می‌شود، هم در منابع کسب معرفت در مباحث نظری تمدنی و اعتبارسنجی آنها و هم در داوری گزاره‌های معرفتی مرتبط با تمدن به شرح زیر تاثیرگذار است:

۱-۳-۲. تاثیر در قلمرو معرفتی تمدنی

توحید اجتماعی با تاثیرگذاری در موضوع تمدن، آن را فراتر از یک طرح صرفا ایدئولوژیک یا سیاسی به یک گفتمان تحول‌آفرین بنیادین فراجغرافیایی تبدیل می‌کند و برپایه بازگشت به اصول و مولفه‌های توحید ناب قرآنی، الگویی جامعه و متعالی برای زیست انسان معاصر ارائه می‌دهد. برابر با فرموده امام شهید «تمدن اسلامی می‌تواند نقطه رهائی از جهان بینی مادی و ظالمانه و اخلاقِ به لجن کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزیِ غربند، باشد.» (بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی؛ ۱۳۹۲/۲/۹)

همچنین مفاهیم کلیدی مرتبط با تمدن نوین اسلامی نیز با خوانش اجتماعی از توحید ارتقا می‌یابند؛ برای مثال مفهوم «جامعه» با لحاظ توحید اجتماعی بستر پذیرش حاکمیت الهی می‌شود؛ مرکزیت اراده خداست و ساختارها و اولویت‌ها و قوانین آن، نه براساس منافع گروهی هوای نفس یا قدرت‌های بشری، بلکه در راستای رضایت و اراده الهی شکل می‌گیرد و جامعه به عنوان میدان عمل به توحید بازتعریف می‌شود.

مفهوم «پیشرفت همه‌جانبه» با خوانش اجتماعی از توحید، غنا یافته و دیگر رشد کمی اقتصادی یا توسعه مادی نیست، بلکه فرایند تکاملی هدفمند جامعه و انسان است و همزمان

همه ساحت‌های اقتصادی و رفاهی، سیاسی و حکمرانی و فرهنگی و تربیتی و اخلاقی و معنوی را زیر چتر توحید بازآرایی می‌کند.

مفهوم کلیدی «سبک زندگی» نیز در این راستا، حرکت نظام‌مند جامعه و انسان به سوی زندگی طیبه با محوریت حضور اراده و حاکمیت الهی در ابعاد و لایه‌های مختلف زیست انسان تعریف می‌شود. (ر.ک: پیشوایی، ۱۴۰۳)

مفهوم «عدالت» هم در این گفتمان پس از آن توسعه نابرابر نخواهد بود و با استقرار توحید اجتماعی نظام تصمیم‌گیری و اجرا به شکل حداکثری و فراجغرافیایی به سمت برپایی قسط حرکت می‌کند و رفاه و امنیت اجتماعی همراه با معنویت به‌وفور در جامعه تحقق خواهد یافت.

«امت» هم بر مبنای توحید اجتماعی فراتر از اجتماع بشری با نگاه مادی، اجتماعی است که حول محور وحی و هدایت الهی گرد هم آمده‌اند؛ پیوستگی و انسجام متقابل دارند و هم‌سرنوشتند، چنانکه می‌فرماید: «**وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا**» (جاثیه:۲۸)؛ *در آن روز هر امّتی را می‌بینی (که از شدّت ترس و وحشت) بر زانو نشسته؛ هر امّتی بسوی کتابش خوانده می‌شود.*

مفهوم «معنویت» هم با درنظر گرفتن توحید اجتماعی به این صورت نمود می‌یابد که انسان موحد در بطن فعالیت‌های روزمره فردی و اجتماعی خود، حضور معنوی دارد و فعالیت‌های دنیوی خود را رنگ خدایی می‌زند وحضورِ آگاهانهٔ خدا را در تمام عرصه‌ها حس می‌کند.

توحید اجتماعی بانفی دوگانگی دین و دنیا، جهان و تمام عرصه‌های آن را صحنه عمل به حکم خدا می‌داند. دین در این تعریف، منشور عمل به خواست الهی و هدف، تعالی انسان و جامعه به سوی الله است. جامعه توحید بستری برای رشد فردی را فراهم می‌کند و در مقابل، موحدان جامعه را به سمت آرمان‌های الهی سوق می‌دهند. در چنین جامعه‌ای فرد، صرفا یک شهروند یا عامل اقتصادی نیست، بلکه خلیفه الله در زمین است که در قبال خدا و خلق خدا مسئولیت دارد.

در این نظام معرفتی، همه دانش‌ها و علوم به سمت شناخت خداوند و تحقق اراده او در

زمین جهت‌دهی می‌شوند. این نگاه، نظام معرفتی را از مادی‌گرایی و سکولاریسم جدا کرده و آن را به سمت الهی‌بودن سوق می‌دهد؛ چنانکه آیت الله شهیدخامنه‌ای(ره) فرمود: «ما در تمدن اسلامی و در نظام مقدس جمهوری اسلامی که به سمت آن تمدن حرکت می‌کند، این را هدف گرفته‌ایم که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم». (بیانات در دیدار جمعی از پرستاران و دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور؛ ۱۳۷۶/۶/۹)

توحید اجتماعی، علوم انسانی، صنعت و تکنولوژی را از یک فعالیت صرفاً مادی‌گرایانه به یک فرآیند معنوی و الهی تبدیل می‌کند؛ علم را از خدمت سلطه‌گری، انحصارطلبی یا اهداف غیر انسانی خارج ساخته و در خدمت انسانیت، رفع نیازهای بشری، تحقق عدالت اجتماعی و تقرب به خداوند و خداپرستی قرار می‌دهد و با نفی کاربست معرفت‌های حاصل از علوم انسانی ماده نگر و غیر وحیانی، جهان بینی یکتاپرستانه را به محور تحول مفاهیم و ساختارهای معرفتی تبدیل می‌کند. از این منظر علم و دانش نه تنها برای پیشرفت صرف دنیوی، بلکه برای شناخت بهتر خداوند و در راستای تحقق اهدافی الهی مورد تاکید قرار می‌گیرد.

توحید اجتماعی در ساحت علوم تجربی نیز برخلاف صنعت‌های تحت خدمت نظام سرمایه داری و سکولار، به دنبال کاهش نابرابری‌ها، رفع فقر و فساد و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه انسان‌ها جهت حل مشکلات واقعی بشر و نه ایجاد نیازهای کاذب، و تحقق عبودیت اجتماعی است. این نگاه، انسان‌ها را از اسارت در الگوهای مادی‌گرایانه و سلطه‌جویانه رها کرده، علوم و فناوری را از ابزاری صرف اقتصادی، به محرک‌هایی برای رشد تمدن متعالی و تعالی‌بخش تبدیل می‌کند و به توسعه پایدار، عدالت فناورانه و حفظ کرامت انسانی در تمامی مراحل تولید و مصرف منجر می‌شود.

۲-۳-۲. برآیند توحید اجتماعی در منابع معرفتی تمدنی

توحید اجتماعی معرفت حاصل از عقلانیت متکی به وحی و نقل را تایید می‌کند. توحید اجتماعی می‌آموزد که علم و دین دو مقوله جدا از هم نیستند، بلکه هر دو در مسیر شناخت خداوند و تحقق اراده او در جامعه عمل می‌کنند، و از آنجا که حیث اجتماعی در

تمدن غلبه دارد، با درنظرگرفتن توحید اجتماعی به عنوان منبع معرفتی، منابع استخراج گزاره های مرتبط با تمدن گسترش می‌یابد. افرون برآن، توسعه قلمرو دلالی و جامعیت آیات مربوط به علوم انسانی و حیثیت اجتماعی آن، از دیگر برآیندهای خوانش اجتماعی از توحید در منابع معرفتی مورد نیاز در ساماندهی مباحث نظری تمدن نوین اسلامی است. توحید اجتماعی، علاوه بر آیات مربوط به اسماء و صفات خداوند، قلمرو جامعیت آیات قرآن در سایر حوزه‌ها مانند اقتصاد، سیاست و اخلاق را بر اساس توحید گسترش داده، حیثیت اجتماعی می بخشد و ناظر به نیازها و ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامیِ تمدنی و... ثابت می کند که قرآن مرجع و تأمین‌کننده تمام نیازهای فکری، هدایتی، علمی و تربیتی نظریه تمدن نوین اسلامی است؛ البته روشن است که دستیابی مصداقی و عینی نفوذ و حاکمیت خواست و اراده خداوند در ساحت‌های یادشده، تلاش مضاعف مفسران با رویکرد اجتهادی، تشکیل تیم‌های فکری و احاطه بر مسائل روز اجتماعی و مدیریتی را می طلبد. با این مبنا معنای هدایت به راه راست و مسیرهای علمی سلامت و رهایی از ظلمات جهل و نادانی روشن‌تر می‌شود، چنان‌که می‌فرماید: **قَدْ جَآءَكُم مِّنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَبٌ مُّبِينٌ يهْدِى بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوانَهُ سُبُلَ السَّلامِ وَ يخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يهْدِيهِمْ إِلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ** (مائده: ۱۵-۱۶).

٤-۲. برآیند توحید اجتماعی در حوزه عاملیت انسانی

تمامی تمدن‌ها و انقلاب‌های بزرگ و تحول ساز در طول تاریخ در گرو اراده‌های انسانی بوده است، زیرا هیچ گاه انسان و تلاشهای او فارغ از حرکت در یک جهت و هدف خاص نیست. گرچه در تحقق هر تمدنی عوامل بسیاری دخیلند، ولی عمده حرکت و سازندگی در تمدن‌ها بر اساس عاملیت ها در مقیاس فردی است که در صورت تراکم و تکثر، به عاملیت اجتماعی تبدیل خواهد شد.

با در نظرگرفتن شاخص‌های عزت و کرامت، قدرت، اراده و سازندگی به عنوان صفات بنیادین انسان تمدن ساز در کلام امام شهید (بیانات رهبر انقلاب در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری۱۴/۰۶/۱۳۹۲) که در پرتو آن سایر صفات نیز قابل تعریف است، توحید اجتماعی با نفی سلطه و ربوبیت غیر خداوند، می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد و

ارتقای هر یک از این صفات در راستای کنشگری تمدنی انسان باشد:

۱-٤-۲. توحید اجتماعی و انسان عزت‌مند

توحید اجتماعی به انسان هویت الهی می‌بخشد و او را از اسارت ثروت، قدرت یا شهوت و تحقیرهای ناشی از وابستگی‌های مادی آزاد می‌کند. توحید اجتماعی انسان را به عنوان خلیفه خداوند(بقره:۳۰) در زمین معرفی کرده و به‌واسطه اثبات برتری مطلق خداوند بر تمام مخلوقات و امر به پرستش خدای یگانه و نفی هرگونه خدایی، آقایی و سروری برای غیر او، کرامت خدادادی انسان را در دو سطح فردی و اجتماعی تضمین می‌کند؛ و او را از غل و زنجیر بردگی و بندگی هرآنچه غیر اوست رهایی می‌بخشد و عزت حقیقی را تنها در ارتباط و پیوستگی تام و تمام با خداوند معرفی می‌کند. شاهد این مدعا آیه ۷۰ سوره اسراء است. در این آیه همه انسان‌ها به لحاظ ذاتی و آفرینش به صورت مطلق مورد تکریم خداوند قرار گرفته‌اند: **وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً.** نیز در آیه ۱۵۷ سوره اعراف نجات انسان‌ها از چنگال اسارت و استبداد از اهداف بعثت انبیا دانسته شده: **الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الأُمِّيَّ الَّذى يَجِدُونَهُ مَكْتُوباً عِنْدَهُمْ فِى التَّوْراةِ وَ الاِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ اِصْرَهُمْ وَ الْاَغْلاَلَ الَّتِى كانَتْ عَلَيْهِمْ**».

قرآن کریم بر این مساله بارها تاکید کرده که عزت و ذلت تنها در ید قدرت خداوند متعال است و کسی در این ساحت راهی ندارد:

قُلِ اللَّهُمَّ مالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلي كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ (آل عمران:۲۶)؛ **مَنْ كانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا** (فاطر:۱۰) و در ادامه عزت را در انحصار خدا، پیامبر و مؤمنان دانسته **وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ** (منافقون:۸) و در آیات دیگر عزت را در قطع وابستگی از کفار معرفی می‌کند: **الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا** (نساء:۱۳۹).

۲-٤-۲. توحید اجتماعی و انسان مقاوم مقتدر

تمدن‌سازی بخصوص در مقابل تمدن غرب که امروزه هیمنه زیادی داشته و از حیث مادی و نظامی و ... قوی است، نیاز به انسانهای مقاوم و قدرتمند دارد. چنین انسانی محور تمدن‌سازی است، زیرا موجودی مقاوم و قدرتمند می‌تواند در ساختن جامعه‌ای عادلانه و پیشرفته و مقابله با تمدنهای غیر توحیدی نقش‌آفرینی کند. توحید اجتماعی انسان را متصل به تنها منبع قدرتی که می‌کند که بی‌پایان است و قدرتی دیگر بر آن غلبه ندارد؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: **وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ** (آل عمران:۱۳۹).

بنا بر اطلاق نفی عبودیت خدایان دروغین، عرصه مقاومت‌ورزی انسان موحد که با کسب اقتدار ارتباط تنگاتنگی دارد، شامل تمام زمینه‌های علمی، اقتصادی و نظامی خواهد شد. لازمه این رویکرد در مقاومت، مرزبندی دقیق و صحیح با دشمن است؛ به‌گفته آیت‌الله شهیدخامنه‌ای معنای این مرز این نیست که رفت و آمد نباشد، بلکه همانگونه که اقتضای مرزبندی انضباط رفت‌و آمدهاست، در مرزهای عقیدتی نیز باید این حدود مشخص باشد؛ چه مرزهای دینی و عقیدتی، چه مرزهای سیاسی». (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵)

۳-٤-۲. توحید اجتماعی و تجمیع اراده‌های انسانی

وجود اراده انسان برای ایجاد امت و تمدن اسلامی و تجمیع اراده‌ها به صورت هدفمند حول محور رهبری الهی تمدن ساز، از لوازم مهم تحقق تمدن نوین اسلامی است، زیرا تمدن، امری بشری است و نیازمند هماهنگی، وحدت و انسجام در اهداف و تلاش‌های جمعی است.

توحید اجتماعی به عنوان یک نگرش بنیادین که یکتاپرستی را از سطح فردی به عرصه اجتماعی و تمدنی گسترش می‌دهد با ایجاد وحدت فکری و ارزشی، به‌مثابه قطب نما در تعیین جهت‌گیری واحد، نقش مهمی در تجمیع اراده‌های انسانی تحت عنوان امت و رهبری الهی ایفا می‌کند. طبق آیه «**وَاعتَصِموا بِحَبلِ اللهِ جَمیعًا وَلا تَفَرَّقوا**» (آل‌عمران:۱۰۳) توحید اجتماعی، به‌عنوان محور فکری و معرفتی تمدن‌سازی نوین اسلامی، با تکیه بر اصل

وحدانیت الهی، زمینه‌ساز همگرایی اراده‌های فردی و جمعی موحدان در جهت تحقق اهداف تمدنی می‌شود. در آیه فوق با خطاب قراردادن ملت‌ها و با کاربرد واژه اعتصام، به لزوم اجتماع همگانی و همگرایی حول محوریت الله باهدف و مقصد مشترک بدون درنظرداشتن حدومرز نژادی و جغرافیایی و . . . تأکید شده است. این مفهوم، با نفی شرک در تمامی ابعاد اجتماعی، از وابستگی‌های پراکنده به قدرت‌های مادی و سلطه‌گر جلوگیری کرده و اراده‌های انسانی را در مسیر تحقق ارزش‌های الهی و عدالت‌محور هماهنگ می‌سازد.

این تجمیع اراده‌ها، نقطه آغاز شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است، و حلقه اتصال این اراده های پراکنده، توحید یا همان ایمان اجتماعی است که همچون قطرات باران، با تجمیع خواست‌ها و انگیزه‌های فردی حول محور خود، آنها را درهم آمیخته و صفوفی خلل‌ناپذیر(صف:۴) و متحد از اراده‌ها تشکیل می‌دهد که در ادامه اهداف مشترک انبیای الهی، غایت حرکت و عملشان توسعه بندگی و پرستش الهی در تمام ساحات زندگی است.

٤-٤-٢. توحید اجتماعی و تربیت انسان آبادکننده

تمدن نوین اسلامی بر اساس عاملیت انسان‌هایی شکل می‌گیرد که دارای جهان‌بینی توحیدی، اخلاق الهی، و توانایی‌های عملی و اجتماعی هستند. این انسان‌ها، پایه‌های تمدن را بنا و به گسترش آن کمک می‌کنند. توحید اجتماعی می‌تواند از طریق تربیت انسان به عنوان عامل در مقیاس فردی، زمینه‌ساز شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی شود. در این مسیر، توحید اجتماعی نه تنها یک اصل اعتقادی است، بلکه به‌عنوان یک جهت‌دهنده تربیتی عمل کرده و انسان‌هایی تربیت می‌کند که آبادکننده جهان هستی و زمین باشند. این انسان ها، با اتکا به اصول توحیدی، نقش فعال و مؤثری در تحقق تمدن نوین اسلامی ایفا می‌کنند. انسانِ باورمند به توحید اجتماعی، غریزی و احساسی صرف رفتار نمی‌کند و در مسیر تمدن‌سازی عاملیت و کنشگری توحیدی دارد و افق نگاه او آینده محور و تمدنی است. در آیه ۶۱هود، حضرت صالح در راستای پیام مشترک همه انبیاء ابتدا قوم خود را در

خطاب همگانی به توحید و پرستش خدای یگانه دعوت کرده و پس از انکار هر معبودی غیر از او که دو مؤلفه توحید اجتماعی هستند، ویژگی فطری و قدرت سازندگی و آبادانی زمین در انسان را از سوی خداوند می‌داند: «**قَالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا**».در این آیه اقدام به تلاش در روی زمین و آبادانی آن را که نتیجه‌اش تولید و رونق اقتصادی است، انگیزه عبودیت خدای یگانه و نفی پرستش سایر معبودها معرفی شده و نگاه آلی به آبادانی زمین کاملاً روشن است؛ زیرا مطابق آیه این امور می‌تواند زمینه بندگی خدا را بهتر فراهم کند؛ این درحالی است که در مکاتب سرمایه‌داری و کاپیتالیستی اصل جذب و کسب ثروت ارزش استقلالی دارد و طبعاً یک مفهوم آلی با یک مفهوم استقلالی با هم متفاوت‌اند. اینکه جمله «**هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا**» بدون حرف عطف پس از «**اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ**» آمده، از این‌روست که گویا سؤال‌کننده‌ای می‌پرسد برای چه خدا را عبادت کنیم؟ پاسخ داده می‌شود اوست که شما را از مواد این زمین خلق کرد و آبادانی آن را به شما سپرد. این آیه وساطت هر شفیع و واسطه بین خدا و بندگان را نفی کرده و منشأ ایجاد و بقاء انسان در زمین را تنها خداوند می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۳۱۰-۳۱۱)

توحید اجتماعی با گسترش مفهوم یکتاپرستی از عرصه فردی به عرصه اجتماعی، انسان را در چهار بُعد فکری، اخلاقی، عملی، و اجتماعی تربیت می‌کند. بواسطه این تربیت انسان به موجودی تبدیل می‌شود که علاوه بر زندگی فردی، مسئولیت ساختن جامعه و جهان را بر اساس اصول الهی بر عهده دارد. توحید اجتماعی با دادن نگاه جامع به انسان، او را به فهم ارتباط میان خود، جامعه، طبیعت و خداوند هدایت و برای فعالیت های سازنده در همه عرصه‌ها آماده می‌کند.

۵-۲. برآیند توحید اجتماعی در فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی

مطابق با بیانیه گام دوم، در تحقق نوین اسلامی دو مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی باید تحقق یابد. در اثر خوانش اجتماعی از توحید طبیعا این دو مرحله نیز ماهیت جدیدی خواهند یافت که به شرح زیر است:

۱-۵-۲. برآیند توحید اجتماعی در خودسازی (عاملیت در مقیاس فردی)

توحید اجتماعی با سرریزکردن معنویت در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و انباشته کردن و تکثیر آن، به عنوان دو رکن اصلی فرهنگ، در ارزش‌ها و هنجارهای فردی (کنشگری عاملیتی) و به تبع آن اجتماعی (ساختارسازی) تحول چشمگیری ایجاد کرده و قرار گرفتن جامعه در مسیر تمدن‌سازی را آسان می‌گرداند؛ به این صورت که بر مبنای تعامل سازنده دوطرفه و حالت رفت‌وبرگشتیِ عاملیت‌ها و ساختارهای اجتماعی، طبق خوانش اجتماعی از توحید، آحاد جامعه در مرحله خودسازی، براساس کنش‌های اجتماعی اجمالا به توحید التزام عملی می‌یابند و توحیدخواه می‌شوند: **قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ**(سبا:۴۶). این امر طبیعتا به شاکله جامعه سرایت کرده و در مرحله جامعه‌پردازی اثرگذاری عاملیت‌ها بخصوص نخبگان موحد و مولد فکر و نظریه‌پرداز در کنار اقامه ارزش‌ها و هنجارهای توحیدی و مطالبه گری عمومی، زمینه‌ساز توحیدی‌شدن ساختارهای خرد و سپس کلان رسمی و غیر رسمی و درنتیجه حکمرانی توحیدی در جامعه می‌شود. در مقابل ساختارهای توحیدی در جامعه که منشاء انسانی دارند، به دلیل توان و سازکارهای هویت‌دهی و سیاست‌گذاری، کنش توحیدی کنشگران را تقویت و تئوریزه خواهند کرد و ضمن نظم‌بخشی و هماهنگی امکانات و ظرفیت‌ها و سرمایه‌ها، زمینه فعلیت‌یافتن و عینی‌شدن توحید اجتماعی را فراهم می‌سازند؛ چنانکه علی۷ می‌فرماید: مردم اصلاح نمی‌شوند، جز آن که زمامداران اصلاح گردند، و زمامداران اصلاح نمی‌شوند جز با ایستادگی مردم (خطبه۲۱۶ نهج البلاغه). این خود موجب پایداری و تکثیر چنین ساختارهایی خواهد شد که از لوازم تمدن نوین اسلامی به‌شمار می‌آید. به فرموده آیت الله شهیدخامنه‌ای(ره) تحول، انقلاب درونی و حرکت درونی در مقیاس فردی نخستین گام در فرآیند تمدن‌سازی و مقدمه‌ای لازم برای رسیدن به مرحله جامعه‌پردازی است. از نظر ایشان نمی‌شود توقع داشت که خود را اصلاح نکنیم؛ اما دنیا را اصلاح کرده باشیم یا کشور اسلامی شود؛ ما باید به خود بپردازیم. (۲۱/۰۹/۱۳۸۰ بیانات در دیدار کارگزاران نظام)

برابر با گفته آیت‌الله شهیدخامنه‌ای(ره) اصلاح نفس انسان نقطه کانونی اصلاح عالم و پیروزی اسلام و حرکت تاریخ در خط اسلام است: «قرآن به آن نسلی که می‌خواست با

دست قدرتمند خود، تاریخ را ورق بزند، فرمود: «قوا انفسکم»، «علیکم انفسکم». خودتان را مراقبت کنید؛ به خودتان بپردازید و نفس خودتان را اصلاح و تزکیه کنید: **قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا** (شمس:۹). اگر جامعه اسلامی صدر اول اسلام از تزکیه انسان‌ها شروع نشده بود و در آن به اندازه لازم، آدم‌های و خالص و بی‌غش وجود نداشتند، اسلام پا نمی‌گرفت؛ گسترش پیدا نمی‌کرد؛ بر مذاهب مشرکانه عالم پیروز نمی‌شد و تاریخ در خط اسلام به حرکت نمی‌افتاد». (بیانات در دیدار با مسؤولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاه‌ها و اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۹/۰۵/۲۴)

۲-۵-۲. کارکرد توحید اجتماعی در جامعه‌پردازی (عاملیت در مقیاس اجتماعی)

با توجه به دقت شهیدآیت الله خامنه‌ای(ره) در کاربست اصطلاحات، طبیعتا مراد ایشان از جامعه‌پردازی همان جامعه‌سازی نیست، لذا اگر مرحله جامعه‌پردازی در بیانیه گام دوم را ناظر به مرحله تشکیل جامعه اسلامی بدانیم، جامعه پردازی‌ای که پس از ساخت جامعه اسلامی اتفاق می افتد، باید در راستای ارتقا جامعه و رساندن آن به جامعه تمدنی باشد؛ جامعه ای «عادل، برخوردار از عدالت، جامعه آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره کشور، در آینده خود، در پیشرفت خود دارای نقش اند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنای ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه جانبه، پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی». (بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۲۴/۰۷/۱۳۹۰)

برآیند توحید اجتماعی در مرحله جامعه‌پردازی که مراد از آن را تقویت و ارتقا عناصر جامعه اسلامی فهم کرده ایم، عبارت است از:

۲-۵-۲-۱. گفتمان‌سازی و تولید ادبیات نظری از طریق نظریه‌پردازی گروه‌های نظریه‌ساز و مرجع

گفتمان‌سازی درباره تمدن نوین اسلامی حول محور توحید اجتماعی، یکی از موضوعات کلیدی و استراتژیک در مسیر تحقق اهداف تمدنی اسلام است، زیرا برای ارتقا خداخواهی اجتماعی و امتداد آن در ابعاد مختلف جامعه مدرن امروز مانند روابط فرهنگی،

قوانین و روابط حقوقی، قواعد سیاسی اجتماعی، معاملات خرد و کلان، ارتباطات اجتماعی و ... نیازمند گفتمان سازی و ایجاد نگاه سیستمی اجتماعی حول محور توحید هستیم. این فرآیند توسط نظریه‌پردازان و گروه‌های مرجع فکری در قالب فعالیت‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی صورت می‌گیرد. با توجه به گروه‌بندی‌هایی که در اغلب جوامع وجود دارد، دو گروه دولتمردان و کارگزاران، و گروه‌های مرجع که شامل گروه‌های نظریه‌پرداز که همان نخبگان فکری باشند و گروه‌های مرجع توسعه‌دهنده مانند شعرا، مداحان، هنرمندان و ...؛ بیشترین تاثیر را از لحاظ بینشی و معرفتی در اکثریت جامعه دارند؛ اهمیت ایجاد نخبگان موحد مورد تاکید امام شهید بود. از نظر ایشان شکل تمام و کامل «**صَدَقوا ما عاهَدُوا الله (احزاب:۲۳)**»؛ یعنی صادقانه با معاهده الهی رفتار کردن؛ یعنی اینکه شخص از خودش مصداقی بسازد برای معارف الهی و برای دستورات الهی و برای راهی که خدا معیّن کرده و پیش پا گذاشته؛ یعنی خودش را مصداق آن قرار بدهد؛ و اگر خواصّ جامعه همّت کنند برای تولید یک چنین شخصیّت‌هایی، هر یک از اینها خواهد توانست جامعه را در مواقع حسّاس نجات بدهد؛ اگر یک چنین شخصیّت‌هایی درست بشوند، آن وقت دیگر تشکیل تمدّن اسلامی یک چیز قطعی خواهد بود» (بیانات در دیدار اعضای همایش بین‌المللی حضرت حمزه سیّدالشّهدا (ع)؛ ۱۴۰۰/۱۱/۵)

نظریه‌پردازان موحد و قائل به توحید اجتماعی با نگارش کتاب‌ها، مقالات، و سخنرانی‌های علمی، تلاش می‌کنند بوسیله تبیین فلسفی و کلامی توحید به‌عنوان محور تمدن و نقدهای بنیادین به تمدن غرب و سایر مکاتب فکری بر اساس دیدگاه توحیدی، توحید را از سطح یک مفهوم دینی صرف، به سطح یک اصل تمدنی ارتقا دهند.

گروه‌های مرجع اشاعه دهنده نیز وظیفه توسعه، ترویج و گسترش این اندیشه را در ساحت باور توده مردم به عهده دارند و می‌توانند آن را گفتمان حاکم بر جامعه کنند. طبقه حاکمه جامعه هم با پذیرش و باور قلبی به توحید اجتماعی، هم التزام به توحید اجتماعی در رفتارهای شخصی خود و هم در تصمیم گیری‌های اجتماعی سیاسی و بین المللی، در مسیر تقویت جامعه توحیدی یا همان جامعه‌پردازی توحیدی که از مقدمات تمدن‌سازی است، موثر واقع شوند.

۲-۵-۲-۲. ایجاد خودآگاهی اجتماعی و تقویت هویت امت‌محوری

به فرموده امام شهید ایجاد تمدن درخشان اسلامی، هدف نهایی بیداری اسلامی است (بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی؛ ۱۳۹۲/۲/۹) که مقدمه آن خودآگاهی اجتماعی به معنای شناخت افراد از جایگاه خود در جامعه، نقش‌ها، مسئولیت‌ها، و ارتباطاتشان با دیگران و فهم عمیق از ساختارهای اجتماعی، ارزش‌ها، و چالش‌های جمعی است.

خودآگاهی اجتماعی در اسلام به معنای درک وظیفه فرد در قبال امت اسلامی و تلاش برای تحقق اهداف جمعی بر اساس آموزه‌های الهی است. با خوانش اجتماعی از توحید افراد به جای نگاه فردگرایانه، به اهمیت جایگاه خود در جامعه ایمانی پی خواهند برد. درک این که همه انسان‌ها بخشی از یک نظام الهی توحیدی هماهنگ و در حال حرکت به سوی هدف واحدی هستند: «**إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**»، مسئولیت اجتماعی افراد را برجسته کرده و آن‌ها را به پذیرش نقش‌های جمعی و تلاش برای تحقق اهداف امت ترغیب می‌کند توحید اجتماعی به آن‌ها یادآوری می‌کند همه انسان‌ها تحت یک نظام الهی زندگی می‌کنند و امت اسلامی نماینده وحدت الهی در زمین است. در این مسیر توحید اجتماعی، به عنوان اصل بنیادین اعتقادی یگانگی خداوند را به ساختار اجتماعی گسترش می‌دهد و تأکید می‌کند جامعه باید بر اساس عدالت، همبستگی و مسئولیت جمعی شکل گیرد.

۲-۵-۲-۳. هم فکری، هم‌شکلی و یکپارچه‌کردن مطالبات حول محور توحید با ایجاد شبکه‌ای گفتمان‌ساز در سطح ملی و بین‌المللی

تحول در ساحت جامعه یعنی جامعه به سمت توحیدی‌تر شدن و رسیدن به نصاب توحید اجتماعی، یعنی جامعه به صورت تفصیلی و به شکل حداکثری توحیدخواه شود، خواه این جامعه مختص به یک محدوده جغرافیایی باشد یا جوامع مختلف ذیل محور توحید، جامعه توحید محور تشکیل بدهند که از آن به امت واحده یاد می‌شود. امت در این مفهوم، نه فقط به معنای یک گروه مذهبی، بلکه به عنوان یک ساختار اجتماعی متحد بر اساس توحید و عدالت الهی است: **إِنَّ هَٰذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ** (انبیاء:۲۲).

توحید اجتماعی با ایجاد وحدت در مبانی فکری و ارزشی و تاکید بر اصل اخوت اختلافات و پراکندگی های اجتماعی را به حداقل رسانده، همه مطالبات فردی و جمعی را بر محور قرب به خداوند و تحقق اراده الهی در زمین متمرکز می کند. در این جهان اجتماعی مناسبات و خط مشی‌ها حول توحید بازتعریف می‌شود.

۲-۵-۲-٤. نظام سازی اجتماعی از طریق ایجاد الگوهای اجتماعی

توحید اجتماعی با اخذ ایمان و با خدا زیستن به نحو نهایی در اجتماع و ارائه یک چارچوب جامع فکری و ارزشی، زیربنای نظام‌سازی اجتماعی را فراهم می کند. این چارچوب شامل اصولی است که می‌تواند مبنای طراحی ساختارها و روابط اجتماعی قرار گیرد که بر اساس اصول توحیدی طراحی شده‌اند. مراد از این نظام‌سازی، ایجاد ساختارها و نهادهایی است که بتوانند الگوهای توحیدی را در جامعه عملیاتی کنند. با طراحی الگوهای اجتماعی مبتنی بر توحید اجتماعی و خیز برداشتن جامعه به سوی حاکمیت مطلق الله، زمینه برای نظام‌سازی اجتماعی فراهم می‌شود؛ نظام‌های اجتماعی بر اساس عدالت محور که برخاسته از توحید است. در این راستا، توحید اجتماعی می‌تواند در سه سطح اصلی نظام‌سازی در حوزه اقتصاد؛ نظام‌سازی در حوزه سیاست و نظام‌سازی در حوزه فرهنگ عمل کند. زمانی‌که الگوهای اجتماعی توحیدی عملیاتی شده و در قالب نظام‌های اجتماعی پیاده‌سازی شوند، زمینه برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی فراهم می‌شود.

نتیجه‌گیری

«تمدن نوین اسلامی» از دیدگاه آیت‌الله شهید خامنه‌ای(ره) به‌عنوان چشم‌اندازی بلندمدت برای ایجاد یک جامعه پیشرفته مادی و معنوی و الگویی الهام‌بخش برای جهان تعریف شده است. این تمدن بر دو بخش ابزاری و حقیقی استوار بوده و نظر به یافته‌های مقاله، محور اصلی آن «توحید اجتماعی» است که نقش بنیادین در مهندسی این تمدن دارد.

توحید اجتماعی، با گسترش مفهوم یگانگی خدا از سطح فردی به عرصه‌های اجتماعی، ساختارهای فکری، فرهنگی و عملی جامعه را بر اساس یکتاپرستی سامان‌دهی می‌کند. این مفهوم به‌عنوان شالوده نظام فکری و ارزشی تمدن نوین اسلامی، در نظام اندیشه، مفاهیم، مسائل و منابع معرفتی این تمدن اثرگذار است و زمینه‌ساز تحول در علوم انسانی، علوم تجربی، و رفتارهای فردی و اجتماعی خواهد بود و چارچوبی برای سامان‌دهی مناسبات اجتماعی و شکل‌گیری مبانی نظری و عملی جامعه اسلامی فراهم می‌کند.

تربیت انسانِ عزت‌مند، مقاوم، مقتدر و آبادکننده و تجمیع اراده‌های انسانی برآیند توحید اجتماعی در حوزه عاملیت انسانی است.

توحید اجتماعی در بعد فردی (خودسازی)، انسان را از وابستگی به ارزش‌های مادی و سلطه‌های انسانی رها کرده و با ارائه جهان‌بینی توحیدی، او را به خودآگاهی الهی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی سوق می‌دهد. این تحول، انسان را به کنشگری فعال در مسیر اهداف تمدنی تبدیل می‌کند و اصلاح فرد را مقدمه‌ای برای اصلاح جامعه و تحقق تمدن اسلامی می‌داند.

در بعد اجتماعی (جامعه‌پردازی)، توحید اجتماعی زمینه‌ساز شکل‌گیری امت واحده‌ای است که بر اساس اصول یگانگی خداوند، عدالت، اخوت، و عبودیت، ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را بازتعریف می‌کند. این مفهوم با تقویت انسجام فکری و ارزشی، هماهنگی اراده‌های فردی و جمعی را در راستای اهداف تمدنی فراهم می‌آورد و با گفتمان‌سازی، تولید ادبیات نظری و طراحی الگوهای اجتماعی و نظام سازی مبتنی بر عدالت و عبودیت، پایه‌های تمدن نوین اسلامی را مستحکم می‌کند.

فهرست منابع

قرآن کریم؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی

نهج البلاغه؛

۱. ابراهیم نژاد، محمدرضا، محمد پورعباس علی کربلایی پازوکی حسام الدین خلعتبری، (۱۳۹۹) «تأملی در کارکرد توحید عبادی نسبت به مظاهر عینی و مادی تمدن نوین اسلامی»، *تاریخ اسلام در آیینه پژوهش*، ش۲، ص۵-۲۴؛

۲. پورعباس، محمد، (۱۳۹۹) «تأملی در کارکرد توحید عبادی و نسبت آن با ایجاد رفاه اقتصادی در گستره تمدن نوین اسلامی»، *علم و تمدن در اسلام*؛ ش۳، ص۳۲-۵۳؛

۳. پیشوایی، فریده، (۱۴۰۴) *زندگی توحیدی؛ رسانه ملی، مبانی و راهبردها*، قم: اداره کل پژوهش اسلامی رسانه؛

۴. حسین زاده، محمد، (۱۳۸۸) *درآمدی بر معرفت شناسی و مبانی معرفت دینی*، قم: موسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی؛

۵. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۵۶) *روح توحید نفی عبودیت خدا، دیدگاه توحیدی (مجموعه مقالات)*، به کوشش مصطفی ایزدی و قاسم مسکوب، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛

۶. _____، (۱۳۹۲) *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، قم: موسسه ایمان جهادی؛

۷. سید قطب، (۱۳۹۲) *نشانه‌های راه*، ترجمه سیدمحمود محمودی؛ تهران: مرکز نشر اندیشه اسلامی؛

۸. عرب صالحی، محمد و پیشوایی، فریده، (۱۴۰۳) *توحید اجتماعی با تاکید بر قرآن و اندیشه‌های آیت الله خامنه‌ای*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، الف؛

۹. _____، (۱۴۰۴) کارکرد توحید اجتماعی در عاملیت و ساختار اجتماعی با تأکید بر آیات قرآن، *قرآن و علوم اجتماعی*، ش۱۳، ص۱۴۲-۱۷۳، ب؛

۱۰. _____، (۱۴۰۳) «کارکرد توحید اجتماعی در بازسازی تمدن اسلامی و الزامات آن با تأکید بر قرآن و اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای»، *قبسات*، ج، ش۱۱۱، ص۴۵-۶۵؛

۱۱. فعالی، محمدتقی، (۱۳۷۹) *درآمدی بر معرفت شناسی دینی و معاصر*، قم: معارف؛
۱۲. فضل الله، محمدحسین، (۱۴۱۹ق) *من وحی القرآن*، بیروت: دار الملاک؛
۱۳. قائمی نیا، علیرضا، (۱۳۹۶) *قرآن و معرفت شناسی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۰ق) *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات؛
۱۵. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری https://farsi.khamenei.ir.